

و تدبیر و اهل بصیرت و  
سعی میباشند و تصور میفرمایند  
نیات اساسی مجلس مذاکرات  
و آثار و فوائد منظور و مترقی  
قم باجانب سیم الدوله رئیس  
نام را از شخص شخص ایشان

(ادب لالک)

طایفه در (عش) هندوستان از  
دعای اسلام که عالم ذوقون  
سابق جریده اسلام است  
داره روزنامه مجلس و سیمه  
بن روزنامه هفت در مار بطبع  
مداور اند و چند زبان فارسی  
راجم به بیشتر مقاصد اسلامی  
را بداره اطلاع بدهد تا ارسال

عربی در شهر (پور) که  
بطبع میرسد و اکنون شماره  
است این روزنامه از مطالب  
نیاید و در هر ماهی دو مرتبه  
یاداره روزنامه (مجلس) را چون  
و آسا خواسته آید

به (مجلس) باشند آرد  
به (اداره روزنامه مجلس)  
(مطایبه خورشید)  
که بهمان عنوان برای ایشان

لا مایا می

خورشید بطایع و سید

اداره مرکزی

طهران خیابان جلیل آباد

مدیر کل

امیرزا محمد صادق قرزند

حضرت حجة الاسلام آقای امیرزا

سید محمد باطلمانی

دبیر اداره ادب للماتک

مکاتب بدون ادعا و تعرفه کافی و تقریرات

قبول نمیشود

عنوان مراعات

اداره روزنامه مجلس طهران

عنوان للمکرات

جریده مجلس

نمره تلفون

بسم الله الرحمن الرحيم

# مجلس



فصل هفتم در بیان نوبت ایام

شبه و یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه

طبع و توزیع و پس از سه ماه

بطور یومیه منتشر خواهد شد

قیمت اشتراك

(طهران) (ولایات داخله ایران) (عالم خارج)

(۳ ماه) (۳ ماه) (۳ ماه)

۱۴ قران ۱۷ قران ۸ قران

(۶ ماه) (۶ ماه) (۶ ماه)

۲۶ قران ۳ تومان ۱۴ قران

(۱ ساله) (۱ ساله) (۱ ساله)

۴۵ قران ۵۵ قران ۲۶ قران

طهران

قیمت يك نسخه سه شاهی است

قیمت اعلانات مطبوعه ده شاهی در صورت

تکرار تخفیف داده میشود

وجه اشتراك پس از ارسال پنج نسخه

مطالبه و دریافت میشود

تاریخ تاسیس شعبه دوم شوال الحکم ۱۳۷۴ هجری قمری و ۱۲۸۵ هجری شمسی مطابق بیست و هفتم نوامبر ماه فرانسه و انگلیسی  
۱۴۱۰ نوامبر روسی و بلادی ۱۹۰۶ و یازدهم فروردین ۱۳۱۶ بزرگترین و کثرتین الاخر ۲۳۱۸ روسی و ۱۱ فروردین ۸۷۸ - خلیلی

از روزنامه یکی مطلق و آزاد است و در مباحث و مذاکرات و مشروعات مجلس شورای ملی ایران و کلیه امور پلمبی و  
عقاری و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات مایه و امور ملی و مربوط بقواید عامه و عواید نوعیه و دائر بمقوق عالم اسلامیت  
و الحرا احکام اسلام و مدافعه حدود وطن باشد بکمال آزادی سخن میراند مذاکرات یومیه دارالشوری کبری و انواع و مقالات  
و آراء و افکار ملت را در مواد مذکوره بالمخصوص منتشر خواهد نمود

قصیده از اثر خاتمه ادب الماتک

بسم الله الرحمن الرحيم و به استعین

شاد باش ای مجلس ملی که نام عقرب

از تو آید در دمل و ادورن دوران طریب

شاد باش ای مجلس ملی که از توجیه کشت

سور مسجد بر کلبا نور فرقان بر صلیب

شاد باش ای مجلس ملی که ایران از تو یافت

دولت دور شایب اندر بی عهد مشیبه

شاد باش ای مجلس ملی که باشد مرزا

شرع پشیمان و دولت حافظ ملت قیبه

شاد باش ای مجلس ملی که هستی تو کراف

آبمان مهر و ماه و زهره و کف الخضیب

شاد باش ای مجلس ملی که ظلم از تو گرفت

محبو حجاج بن یوسف از غزاله و ز شیب

شاد باش ای مجلس ملی که از تائید تو

عاشق چهارم شد آسوده از جور و قیبه

خشمه را روی جوری گامها را طعم شهید

گوشتها را بلک رودی مفرها بوی طیب

تا تو بر پالی درین کور توفیق آتیا

تا تو بر جالی درین سامان نرساید غرب

کس نباشد زین پس از جور دیوان در شکنج

کس نماند زین پس از عدل سلطان بی نصیب

تا تو مظلوم آید تا شمس شهریار

جالت چار گردد آیتکا و بر طیب

کوکان را کس نترساند و شک هولک

عاجزان را کس نترساند و طراوت از کبر

غوره اندر تانک و شورش و حلاوت برزوب

کوک را نبود در قیبت با حکیم هوشمند

سند را نتوان عداوت با اسبل و با غیب



چون بواسطه سبق صفحات ووجود مقالات مهمه محل درج اخبار مجلس نبود اخبار شعبه ویکشنبه در غرضه سیم منقشر خواهد شد

چیرایی کی تواند پس ازین دیو مرید  
 یارسانی کی شایدین سپس شیخ مرید  
 بسکه ظالم را بکشت شد خون قتلوان خضاب  
 بسکه روی خشکان از خون دل آمد خضیب  
 بسکه هر مایوف گفت (ای رکن من لار کله)  
 بسکه هر مظلوم بر خواند آیت (ام من یحب)  
 شهریار داد کر بخشود بر قومی ذلیل  
 خسرو عادل ترحم کرد بر مشق کتیب  
 [شه مظفر] داور کیتی خدو کاسران  
 آنکه فاش مستطابق و خاشق مستطیب  
 آنکه خصم هر کجا جنبش کند باشد صاب  
 آنکه وایش هر کجا تابش کند باشد مصیب  
 بر رعیت داد شه در ملک احسان وی  
 بهتر از سال فراخ و خوشتر از علم خضیب  
 در قوس خشم قهرش میجو نثار در خطیب  
 در قلوب خاق مهرش میجو آب اندر قلب  
 عدل این شه را کرام الکاتبین داند حساب  
 کار این شه را ابرار المؤمنین باشد حبیب  
 خسرو ایزد ترا داده است صدی کاردان  
 کاسیانی کرد خواهد دولت را عقرب  
 بوستان ملک را شادو جوان گردان وزیر  
 از بس روزی که گفتی [بیل الوالدان شیب]  
 کبک آمد در خراش کرکس از رفتار ماند  
 بابل آمد در ترم زاع افتاد از تنیب  
 ای [مشیر الدوله] ای دستور اعظم ای که زاد  
 نور عقل از رای باکت میجو از آتش لب  
 قارچ المسممت دیدار تو در [کرب شدید]  
 کاشف المسممت گفتار تو در [بوم عصب]  
 پیش طبع خورده سنجت هر گران آید بسک  
 نزد کرد و در بخت هر پدید آید قریب  
 نادیده خواسق و آبدی ملکش که نو  
 درد ملت را طبعی را از دولت را حبیب  
 ای درخت شمع زین فرخنده مجلس جلودان  
 باد اصلت محکم و فرغت قوی عصمت و طیب  
 وی سپه داران دین پادا شما را تا ابد  
 عون حق خیر المعبین و حفظ حق نعم لرفیق  
 عقل باشد مر شما را مادر و دانش پدر  
 عدل باشد مر شما را زاده و حکمت دیوب

مسجد از دیدار تان نازد جوستان از درخت  
 منیر از گفتار تان پاد جو سرو از عذلب  
 بس کرامتها نمو دیدای کرامت را لب  
 بس شجاعتها نمودیدای شجاعت را تنیب  
 رنجها بر دید کر آن رنجده کوهان کوه  
 کاهها کردید کر آن خیرمند عرش لب  
 شکر خوری نیکشان را با مقالی بس شکر  
 امت ذت با کشتان را با بیانی بس عجب  
 در فاک کرویان گویند و در فردوس حور  
 در آینه مؤذنان خوانند و در منبر خطیب  
 کر سخن آرایند در این همه حق گوید بی  
 وردعا خواهد در این روضه حق باشد عجب  
 مرجع گوید بر این وضع بدیع و رای نیک  
 آفرین خواند بر این کار خوش و بزم و حب  
 کرد کار اندر فراز عرش و پیشتر بخند  
 مرتضی اندر لب تسبیح و قائم در عقب  
 بر فراز تخت زین شاه و بر افلاک ماه  
 در صف کرویان جبریل و در عرض لب  
 مجلس مای زیاد شاعران برد آنچه بود  
 از حاشیه و ذنهانی وز مسجد و از لب  
 این زمان طرح سخن فرسان سزد نه آنکه گفت  
 احمد اندر مدح کافور و حسن مهر خضیب  
 قدسیان فهرست این مجلس بمقام آورند  
 مجتهدان کادر کلوی کودکان عود المصیب

قل از جریده مصر و ترجمه از روزنامه زاین  
 صاحب جریده یومیه (الوا) منطبقه مصر در شماره ۲۱۶۲  
 مطابق ۲۹ شعبان شرح ذیل را از روزنامه زاین موسوم  
 (جیبی) در تحت عنوان (الاستور فی البیان) ترجمه و شایع نموده است  
 نگارنده جیبی گوید - عماره ما بپاروس وضع عالم را تغییر داده  
 و تأثیری تلایان در علوم حریبه و بحریه و پولتیک و سیاسی کل دول  
 بخشد - و در افکار و عقاید ملی که در تحت قید اسارت و  
 سلسله استبداد بسحق زدن میگردند تغییرات بزرگ پدید آید  
 بر هر کسی واجب است که باکال دقت نظر و مراقبت فکری  
 اندازد سرعت سیر و حرکت خود حریت و قانون مملکت را  
 در افکار و قلوب رعایای روس و ایران و چین و دیگر که چگونه  
 آنا قان قدرت آن در تزیاید است - بدون مبایسته و انحراف  
 می توانیم بگویم که اهالی ایران از آنجا که غلبه ما را بدولت  
 صاحب (الوا)



از درخت  
ن پاد چو سرو از خندلیب  
ت را لب  
نمودندای شجاع و اندیش  
هان گو  
آن خیره شد عرش ایب  
پس شکر ف  
نشان را با بیانی بس عجیب  
فردوس خود  
خوانند و در منبر خطیب  
حق گوید علی  
ن روزه حق باشد عجب  
مع و ولی نیک  
کار خوش و بزم و حبیب  
بیمبر بخند  
لب تنم و قلم در عقب  
را فلاک ماه  
بان جبریل و در عضر ادیب  
د آچه بود  
های وز مدح و از لب  
ان سرد نا آکه گفت  
سافور و حسن پیر خطیب  
ملق آویختند  
کلوی کورکان عود الدلب  
— — —  
رجه از روزنامه زاین  
منطبه مصر در شماره ۱۱۶۲  
را از روزنامه زاین موسوم  
دف الیابان ترجمه و تالیف نموده است  
ما با یاروس وضع علم را شایسته  
بره و پولتیک و سیاسی کل دولت  
که در تحت تفسیر اسارت  
رشد تئیرات بزرگ پدید آید  
دقت نظر و مراقبت  
وز حریت و قانون مملکت ما  
ایران و چین در کرد که چگونه  
بدون مبنای و افراط  
از آنجا که غلبه ما را بدولت

پس از راه قنود حریت استیلائی قانون شناخته و یقین کردند  
مملکت ما بواسطه این دو جامی بزرگ جان خود را از جنگال  
نشن نیالی رها نمیده و بقصد غایبه خویش نائل شده است  
آنها نیز در طلب این دو امر مهم بجان و دل کوشیده و هیچ  
خود را در سر این کار نهاده اند  
نمای حریت ما مردم ایران را از خوابهای کران  
نمای مشامیه داشته اند بیدار کرده و برای کوهی اتحاد و  
مواظت آگاه نموده و اینک حرکات دلیرانه و غیورانه ما را  
بر مشتق افعال و مساعی خود ساخته اند • چنانکه می بینیم  
پادشاه و رؤسای و حاکمان ملت و امنای دولت با تمام رعایاست  
حاکمیت بهم داده کشور آتش را بنور جلال ولایت خود  
نمود و هنوز داشته اند • ذی سعادت و شرافت قومی که  
نایب کردار و مساعی خود را بزرگ و کرانها شمرده همت عالی  
دفع ترکتش از اجاب و نوحه خاطر تحصیل منافع و فواید  
طلب و ادبیه و صنایع گشته اند  
ایستاد و ما مردم زاین بپار افتخار و شرف داریم که  
آیینه از اموال و نفوس هموطنان ما در محاربه یاروس بپار  
مواظت همه آنها قرین حریت برادران نوبی که در سایر  
مملکت ساکنند گشته • و یکسر فدای برادحق غم ظلم و  
دولت استبداد شده اند این افتخار و شرف ما در نظر اشخاصی  
که صاحب غیرت و معرفت با علی درجه دارای قدر و اهمیت  
خواهد بود

مجلس ۳

آنجا که مجلس زایون و قانون سیاسی آن ملکی وضع و کودک  
مسجد بلند مقام است که مجلس و قانون ما جز منطقه و منطقه نخواهد  
بود • ولی چون پدر عجب و مادر والا که این ملکی در  
تربیت فرزند تا یکمهرجه از روی بصیرت می دارند • و  
دایگان یک دامن صبح از برای پرورش وی احتیاج  
خواهد نمود • امید که از این خاک یک آب روشن و  
هوای دلکش نشو و نمای فرزند سعادتند ما آنا قاناً زیاده شود  
و باند زمانی این کودک خرد سال نیروی جوان و غیرت ایران  
بدست آورده بهلوانی صف شکن و دلیری شیر اوزن شود

- ازین دخت مهربان و این پور سام
- گویی پرمنش زاید و نیکنام
- بیدار گردد گوی زور مند
- که نبود چو زبر چرخ بلند
- عقاب از بر ترک او ننگدود
- سراپ جهان را بدکن نشود
- کمر بسته شهر یاران بود
- باران پشته سواران بود
- زهر دل شاه ایران زمین
- شب و روز قاسم از رزم چین
- ادب المثلث

(تکرات خارجیه)

از لندن نوزدهم نوامبر سفته حتی باسفته دیگری در یوگستون  
دینب معاهده کرده آنرا غرق نموده است • چهل و یک نفر  
غرق شده اند • و نه نفر را سفته حتی نجات داده است  
زنها و اطفال چند در اطاقهای خود عبوس مانند  
چهل نفر از زنها یک مدعی هستند که اسوان باید وای داشته  
باشند بر یاست خولم ز نزل قرین و مسترس دمه بارد اسروز



در لندن بازها هر کردند مشرکین بسیار. بالای پای جمعه  
رفته اطلق کرد و دستگیر شد پلیس از دستگیر کردن او امتناع  
داشت. در مقام ساحل و ست را با امر و وزیر امنیت شده است  
در روزنامه طبعی مقاله خصوصی نوشته شده در خصوص اینکه  
بعضای هندی که محبه تکمیل تحصیل خود با انگلیس می بیند  
باید معاوضت کرد خصوصاً آنها که در لندن توقف میکنند  
اکنون انجمنهای انگلیسی که در این کار هستند بواسطه نبودن  
سرمایه و قلت جمعیت چندان کاری از پیش نمی بیند. نویسنده این  
مقاله میگوید البته در لندن بسیاری از سردها و زنهای  
انگلیسی هستند که مایلند در این کار همراهی نمایند تا حدی  
که با انگلیس می بیند تربیت میشوند و وضع زندگی و حالات  
انگلیس ها را بهتر می بینند که چون به هندوستان مراجعت کنند  
نسبت با انگلیس بیشتر حالت مودت داشته باشند  
بدینهم این تلگرافی از پتر مارشیلورک آمده میگوید مستر  
تلهان اصرار کرده است که باید قانونی وضع کرد که خرید و  
فروش آبها محدود شود و بالاخره موفق گردید

امپراطور المان اجاره داده است که فصلی ملاقاتی که با کاک  
هاتر شاعر پتر نموده است طبعی شود در این ملاقات امپراطور  
اضهار کرده است که من با کاک اهتمام بجهت اینکه المان گرمی  
کنم و امید دارم و بیل دارم مردم خیال مرا ملالت شوند  
و این در حصول مقاصدم کمک میکنند کان مرود که طبع  
شرح این ملاقات بجهت جواب اعتراض است که در روزنامه  
بامپراطور کرده اند

(روز) از تو کو خبر میدهد پرنس فون تینی مامور شده است  
که بیازدید پرنس ارتووف کنت انگلیس برود  
پادشاه و ملکه داتمارک بدیدن امپراطور المان به بران رفته اند  
روزنامه ای المانی و داتمارکی باین ملاقات خیلی اهمیت میکنند  
و میگویند مردم زخمی جنگ پروس و داتمارک خواهد بود

گفته حق برادها الباطل

پنی مردمان غرض اندیش و ارکان بجهت پیش بواسطه اعتراض  
شخصی زندگانی و نجات دو روزه دنیا با کال بی شرقی و دون  
همی مشغول خرابی خاندان دولت و ملت و هتک آزادی وطن  
عزیز بر آمده بواسطه اختلاف و عناوین متفاوت و ترغیبات  
کونا کون مطالب خود را عنوان کرده میخواهد اساس مجلس  
شورای ملی را که حافظ نام و ناموس ملت و دین و عقیده و  
آبرو و قوتها است در نظر عوام و مردم ساده لوح بصورتی  
نامطلوب جلوه داده و خیالات خود را بر حکمرانی استبداد  
بنشانند من جمله بیاناتی شبیه این بر زبان جرب و زرم که مانند

شده معلوم ظاهرش شیرین و باطنش مهالک و مزه ادکن است  
شایع می سازند که ما غنخواز رعیت و فضائی ملتیم . . .  
یا دوست پادشاه و هوا خواست دولت . . . ایها الناس صریحاً  
بشما میگوئیم این جماعت بدون شرکت با قافله دزدی نمیتواند  
این جماعت بدون ملاحظه نام و ناموس در بی تخریب وطن و  
می آیند این جماعت غول بیابان و غار متبلانند که عقل و  
هوش شما را می برند . . . و رخت شما را میدارند . این جماعت  
کسانی هستند که ملاحظه بد بختی اولاد و نسل خود را نمیتوانند  
بخار و ذلت و فرزندان این مردم شق که بدون قصص و تا روزه  
اید مرود ملت و جنوس هم و طمان خواهند شد . . .  
چرا که این بد بختان بخرد بد عاقبت بدون ملاحظه و حفظ  
شرف و سبک نامی خود و خانواده خود چشمها را بهم گذاشته  
و در نهایت بی شرمی می خواهند مجلس ملی کرانهای ما را  
که نشانه کامران و پدر مهربان ما عطا فرموده است باین افندیها  
و لوطی بازها بر هم زنند

بیوه زمان در باب اطفال گشور ما کوشا و دستبند خود را  
برای ادای قرض دولت و تأسیس بانک داخله حاضر کرده و  
هر یک میخواهند که در این باب بر دیگری سبق گیرند و این  
بی غیرتانی نامرد که بیواتب از زبان عاقله و زوئیدان کفر  
و پست ترند میخواهند ابائی ملت را از تشکیل بانک داخله  
منصرف کرده و دولت ما را با قرض از بیگانگان و کسرو  
گذاشتن آب و خاک و حتی و ناموس وطن مجبور نمایند  
مثل ایشان مانند سکی است که بر وزه دگر آن خود قشون  
دشمن بر او باج قبیله صاحب خود دعوت نمود . ای ملت  
نجیب ایران . ای مردمان باهوش و کوش ای کاش که از بجز  
خزیر عبور کرده و بخارج این ملک رفته اند . ای افتخار که  
زبان خواندن و قلم نوشتن دارید . زنهار و زنهار ! قرض  
شما است که این مسئله را برادران بی خبر خود حالی کنید که  
حکول این دزدان را نخورند و فسون غولان را نخورند این  
شیاطین با خدا عهد کرده اند که بدکالشن را بر بد بیری شده  
است از صراط مستقیم خارج کرده و با سفل السافین ججم  
نازل سازند این شیاطین بصدای فو عزتک لا غوینهم اجمن  
سو کنند خورده اند که بوسه فل کونا کون مردم مان ساده به  
بخت را از شاهره هدایت بجهاد شغایت در اندازند

( فاجر مضانه سمها المرادی ولا )  
( بفر ر ک لین المن من حیا تهله ) ( ادیب للمسالله )  
( محمد صادق الحسینی الطباطبائی )

در مطبعه خورشید بطبع رسیده

اداره  
طهران  
مد  
میرزا  
بابا  
دیردار  
مکاتب بدون اعضا  
قبول  
عنوان  
اداره روزنامه  
عنوان  
حیرت  
نمره تلفون  
بتلویج پنجشنبه و  
۱۶ نوامبر روسی  
این روزنامه بکلی  
عاری و اجتنابی  
و اخیراً احکام اس  
مد  
پس از حضور  
رئیس - معلوم  
روزه در ساعت  
است که قبل از  
وقت که و کلا حاضر  
از این موقع سید  
جامع مقتول شده  
اصلاح این امر بعد  
از مجلس شرحی  
جواب آن کاغذ  
رئیس - صادر  
سید مزبور -  
یک ماه معطلی  
فانده